

سرانجام افسر شورشی چیگرا

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۴۵

۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷، خسرو روزبه عضو سازمان افسران حزب توده اعدام شد و این پایان مرد نظامی توده‌ای بود که پس از ۱۱ سال فرار از دست ساواک، سرانجام تیرباران شد.

در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ خسرو روزبه عضو سازمان افسران حزب توده اعدام شد. خسرو روزبه، فرزند دوم ضیاء لشکر در سال ۱۲۹۴ در شهر ملایر به دنیا آمد.

وی از جمله جنجالی‌ترین چهره‌های حزب توده بود که در خانواده‌ای متوسط ولی در شرایط نامساعد مادی پرورش یافت. پدرش در ارتش و در سمت ریاست کارپردازی لشکر انجام وظیفه می‌کرد. روزبه تحصیلات ابتدایی را در مدرسه امریکایی ملایر و تحصیلات متوسطه را در همدان به پایان برد.

سپس در دانشکده افسری در رشته توپخانه و در دانشکده فنی از رشته مکانیک فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۱۸ به علت درگیری با فرمانده توپخانه ضد هوایی یک ماه و نیم به اهواز تبعید شد و سپس به تهران بازگشت.

روزبه در ۱۸ سالگی وارد خدمت ارتش شد. تا مهر ۱۳۲۴ با سمت استاد و فرمانده دانشکده افسری انجام وظیفه می‌کرد و پس از شهریور ۱۳۲۰ در دانشکده افسری به تدریس پرداخت.

او از اساتید تحصیلکرده و باسواد دانشکده افسری محسوب می‌شد و مورد توجه رزم‌آرا - رییس دانشکده - بود. خسرو روزبه همچنین کتاب‌هایی در زمینه‌های ریاضی - فنی تدوین کرد.

سقوط رضاشاه و فروپاشی استبداد ۲۰ ساله او فرصتی فراهم آورد تا گروه‌ها و احزاب سیاسی به حرکت افتاده تلاش سیاسی خود را آغاز کنند، از جمله مارکسیست‌های بازمانده از حزب کمونیست ایران به همراه گروه ۵۳ نفر در دهم مهر ماه ۱۳۲۰ در منزل محسن اسکندری گردهم آمده حزب توده ایران را تأسیس کردند و محسن اسکندری به عنوان رهبر حزب توده ایران انتخاب شد، خسرو روزبه نیز در سال ۱۳۲۲ به این حزب پیوست.

در سال‌های اولیه شکل‌گیری حزب توده، کثرت مراجعه نظامیان با گرایش چپ موجب شد که حزب تصمیم به تأسیس یک سازمان نظامی مخفی بگیرد.

آرداشس آوانسیان به عنوان نخستین مسوول سازمان نظامی معرفی شد، اما پس از بازگشت کامبخش از باکو، مسوولیت سازمان افسری به او سپرده شد و او به همراه عزت‌الله سیامک و خسرو روزبه اداره سازمان افسران حزب توده را برعهده گرفته و سروان خسرو روزبه به عنوان عضو هیات اجرایی سازمان نظامی تازه انتخاب شد.

در تابستان سال ۱۳۲۴ سرهنگ عبدالرضا آذر به اتفاق سرگرد علی‌اکبر اسکندانی که هر دو عضو سازمان افسران حزب توده بودند، تصمیم به قیام مسلحانه علیه رژیم گرفتند و به همراه گروهی از همفکرانشان در ترکمن صحرا قیام کردند، ولی این حرکت که به قیام افسران خراسان شهرت یافت و به سرعت سرکوب شد، حساسیت فراوانی برانگیخت.

عده‌ای از افسران مبارز به فرمان ستاد ارتش به کرمان تبعید شدند. طرح دستگیری روزبه نیز ریخته شد اما روزبه که در مرخصی یک ماهه به سر می‌برد، به جای بازگشت به خدمت، مخفی شد و از بازداشت نجات یافت. حاصل این دوران نگارش کتاب «اطاعت کورکورانه» بود که در افشای مفاسد سران ارتش و همچنین دعوت افسران و درجه‌داران به مبارزه علیه حکومت با نام مستعار «سخر» (سروان خسرو روزبه) منتشر شد.

سازمان افسران حزب توده یک هیات دبیران و یک هیات اجرایی داشت که خسرو روزبه در هیات دبیران آن عضویت یافت که اعضای هیات دبیران در زمان بازداشت عبارت بودند از: ۱- خسرو روزبه به نام مستعار سعیدی، ۲- سرهنگ عزت‌الله سیامک و ۳- سرهنگ محمدعلی مبشری، که از میان اعضا، خسرو روزبه مسوولیت شاخه اطلاعات نظامی حزب را نیز عهده‌دار بود.

به دنبال قیام افسران خراسان و واقعه آذربایجان، تلفات افسران حزبی در وقایع سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ چنان سنگین بود که در عمل به نظر می‌رسید سازمان افسران توده برای همیشه متلاشی شده است. بعد از این ماجرا عده‌ای که جان سالم به در بردند به شوروی پناه بردند، اما وجود سرهنگ سیامک، خسرو روزبه و سرهنگ مبشری و در امان ماندنش از موج بگیر و ببندهایی که پس از قیام افسران خراسان، شکست آذربایجان و سرانجام حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، در ارتش و سایر ارگان‌های دولتی رواج یافته بود، هسته اولیه دیگری را برای شکل‌گیری سازمان نظامی به صورتی کاملاً پنهانی و زیر نظارت مستقیم و محدود رهبری حزب سامان داد.

بعد از حوادث آذربایجان در سال ۱۳۲۵، سازمان افسران حزب توده کوچک و فعالیت آن محدود شد. روزبه در صفحه ۴۵ اوراق بازپرسی خود نوشته است: «تصمیم گرفتیم مانع متلاشی شدن سازمان نظامی بشویم.» به این ترتیب سازمان افسران حزب توده اگرچه فعالیت‌هایش محدود شد اما هرگز منحل نشد و به فعالیت خود ادامه داد.

روزبه در ۱۷ فروردین ۱۳۲۶ برای اولین بار توسط رکن دوم ستاد ارتش دستگیر شد اما در ۱۷ اردیبهشت همان سال با کمک

حسام لنکرانی، ابوالحسن عباسی و صفیه حاتمی از زندان دژبانی گریخت. دادگاه ارتش غایباً او را به ۱۵ ماه زندان و اخراج از ارتش محکوم کرد.

گفته می‌شود خسرو روزبه در قتل‌های چندی دست داشته است که از آن جمله می‌توان به ترور محمد مسعود روزنامه‌نگار و سردبیر نشریه «مرد امروز» اشاره کرد.

محمد مسعود در شماره ۱۳۷ مرد امروز مقاله‌ای علیه اشرف خواهر شاه - به دلیل خرید پالتو پوستی گران‌قیمت - منتشر کرد که خشم دربار را برانگیخت.

انور خامه‌ای در این باره می‌گوید: «بعدا معلوم شد که اشرف پالتو را نخریده بلکه از پدر سوسیالیست‌های کمینترن، استالین هدیه گرفته است.»

محمد مسعود اما در ۲۲ بهمن ۱۳۲۶ در حدود ۱۱ شب هنگامی که از محل کار خود در خیابان لاله‌زار خارج می‌شد ترور شد و فردای آن روز تیتر روزنامه مرد امروز چنین بود: «دیشب محمد مسعود کشته شد» و ظن قوی افکار عمومی برای این ترور متوجه دربار شد.

اما این موضوع سال‌ها مسکوت ماند تا اینکه در اثر تحقیقات و اعتراف خسرو روزبه روشن شد که وی از موقعیت افشاگری مسعود علیه اشرف استفاده کرده و نقشه ترور را طرح‌ریزی کرده تا گناه را به گردن خانواده پهلوی بیندازد.

روزبه در فروردین ۱۳۲۷ مجدداً دستگیر شد و دادستانی ارتش برای وی تقاضای اعدام کرد و در نهایت روزبه به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

او در آذر ماه ۱۳۲۹ به همراه ۹ تن دیگر از رهبران حزب توده (از جمله کیانوری، مرتضی یزدی، جودت، نوشین و قاسمی) که قبلاً همگی در دادگاه نظامی محاکمه شده بودند، به یاری افراد بیرون از زندان، ترتیب یک فرار جنجالی را از زندان قصر دادند. طبق نقشه قبلی یک نفر با لباس افسری ارتش و کامیون نظامی به زندان قصر مراجعه و با نشان دادن مدارک جعلی خود را نماینده دستگاه قضایی ارتش معرفی و زندانیان را جهت انتقال به زندان مرکزی در جنوب تهران تحویل گرفت.

دو افسر نگهبان زندان هم که از پیش در جریان ماجرا بودند به بهانه بدرقه زندانیان با همین خودرو از آنجا خارج شدند و چند ساعت بعد اعلام شد که همگی با این نقشه فرار کردند. از جمله حوادث جنجالی و پر سر و صدای دولت رزم‌آرا، فرار زندانیان توده‌ای از زندان قصر بود. روزبه بعد از جریان فرار بزرگ از زندان قصر به فعالیت‌های خود در سازمان اطلاعات حزب توده ادامه داد.

محور مرکزی فعالیت روزبه و یارانش در این زمان، گسترش سازمان افسران در درون ارتش بود و وی در همین راستا مسوولیت شعبه «اطلاعات کل حزب توده ایران» و «شعبه اطلاعات تشکیلات سازمان افسران» را برعهده داشت.

پس از غیرقانونی اعلام شدن حزب توده در سال ۱۳۲۷ فعالیت سازمان افسران افزایش یافت و در دوران حکومت مصدق تعداد اعضای آن به ۶۰۰ تن رسید. در جریان کودتای ۲۸ مرداد، بسیاری از فعالان سیاسی از سازمان افسران انتظار مداخله داشتند اما به دنبال پیروزی کودتا و سقوط دولت مصدق، تا سال‌ها این سازمان را به دلیل دخالت نکردن در کودتا سرزنش کردند.

یک سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تعداد زیادی از افسران عضو سازمان بازداشت شدند. روزبه که در بازپرسی‌های اولیه، خود را مهندس معرفی کرده بود قبل از آنکه شناخته شود، به دست افسران همفکرش فراری داده شد اما ۲۷ تن از افسران اعدام شدند. ۴۲ نفر دیگر که حکم اعدام گرفته بودند یک درجه تخفیف گرفتند و به همراه ۹۲ تن دیگر به حبس ابد محکوم شدند. ۱۱۹ نفر به ۱۵ سال حبس با کار اجباری، ۷۹ نفر به ۱۰ سال زندان مجرد و ۸۹ نفر به حبس‌های یک و نیم تا ۱۰ سال محکوم شدند.

روزبه در این دوره زندگی مخفی داشت و همزمان در سال ۱۳۳۵ در ترکیب هیات اجراییه موقت حزب در داخل کشور به فعالیت ادامه می‌داد. در این سال از آنجا که اکثر کادر حزب توده دستگیر شده بودند، هسته مرکزی حزب توسط سه نفر اداره می‌شد: روزبه، متقی و ثابت که با دستگیری این افراد در نیمه تیر ماه ۱۳۳۶ این شبکه کوچک نیز متلاشی شد. در سال‌های ۳۶ - ۱۳۳۵ روزبه به همراه تنی چند از افسران کوشیدند شبکه متلاشی شده را سامان دهند، اما رسوخ عوامل ساواک در بافت سازمانی حزب موجب دستگیری آن‌ها شد.

روزبه در تابستان ۱۳۳۶ در نتیجه خیانت یکی از اطرافیانش - علی متقی - به دنبال یک درگیری مسلحانه در حوالی خیابان سیروس تهران در حالی که مجروح شده بود، دستگیر شد. متقی بعدها فاش کرد که خسرو روزبه را در مقابل نجات جان خود، لو داده است.

روزبه را پس از دستگیری ابتدا جهت مداوا به بیمارستان و سپس به زندان قزل‌قلعه منتقل کردند. سرهنگ علی زیبایی، بازجوی اصلی بازداشت‌شدگان حزب توده که بعدها به سفارش ساواک کتابی را به نام «کمونیسم در ایران» نگاشت که تا پیش از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ امکان دسترسی عموم به آن وجود نداشت، در کتاب خود نقل می‌کند که خسرو روزبه پیش از تیرباران، در بازجویی‌ها به قتل محمد مسعود روزنامه‌نگار مستقل، در سال ۱۳۲۶ و همچنین قتل چهار تن از اعضای حزب توده از جمله حسام لنکرانی فرزند یکی از روحانیون بنام آذربایجان، که به خاطر خیانت به حزب و فروش اطلاعات به پلیس پس از کودتای ۲۸ مرداد مورد ظن قرار داشتند، اعتراف کرده بود.

به دنبال این دستگیری، سرانجام پرونده زندگی خسرو روزبه بسته شد و چنان که پرواند آبراهامیان در کتاب «اعترافات

شکنجه‌شدگان» نقل می‌کند: «خسرو روزبه تحت شرایطی که اکنون بر ما آشکار نیست مورد بازجویی قرار گرفت، از محاکمه او فیلم‌برداری شده و به طور مخفیانه در قزل قلعه به تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ تیرباران شد.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۲۰/چپکرا-شورشپه-افسر-سرانجام/>